

ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی بافت فرسوده شهری منطقه ۷ تهران

محمدجواد خسروی*، علیرضا استعلاجی**، سعید پیری***، حمیدرضا صباغی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۱



چکیده

امروزه آسیب پذیری شهرها و به ویژه بافت‌های قدیمی و فرسوده در برابر سوانح طبیعی، به عنوان مسئله‌ای جهانی پیش روی متخصصان رشته‌های گوناگون قرار گرفته است. با توجه به شرایط و موقعیتی که بافت فرسوده منطقه ۷ تهران در توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران دارد، و عدم توجه و رسیدگی مناسب، شرایط در بعد اجتماعی تاب‌آوری در این منطقه بویژه در بخش بافت‌های فرسوده در وضعیت نابسامانی قرار دارد، سنجش میزان تاب‌آوری اجتماعی جهت مقابله صحیح یا پیامدهای سوانح طبیعی ضروری به نظر می‌رسد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا، توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق تعداد ۲۰۰ نفر از شهروندان ساکن در بافت‌های فرسوده منطقه ۷ به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری تی تک نمونه‌ای و مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ در شرایط نابسامانی قرار دارد، در ادامه نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد که مؤلفه‌های میزان تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان و مشارکت اجتماعی از جمله متغیرهای تاب‌آوری اجتماعی هستند که در وضعیت نابسامان تری قرار دارند و نقش آن‌ها در تاب‌آوری اجتماعی بافت فرسوده منطقه ۷ نسبت به مؤلفه‌های دیگر بیشتر است. بنابراین برای ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی و فرهنگی در بافت فرسوده این منطقه، توجه به عواملی چون تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان ساکن در بافت‌های فرسوده شهری ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی

بافت فرسوده، تاب‌آوری اجتماعی، سوانح طبیعی، منطقه ۷ تهران

khosraviabr@gmail.com

al_estelaji@yahoo.com

* دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

** استاد گروه جغرافیای انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*** استادیار و عضو هیئت علمی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

**** گروه شهرسازی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های اخیر افزایش جمعیت جهان به خصوص در مناطق شهری به عنوان یک پدیده مهم پیچیدگی‌ها و مشکلات زیادی را در زمینه‌های مختلف ایجاد کرده است. در این میان مخاطرات به عنوان یکی از مهمترین موضوعات در حوزه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری به جهت مدیریت بحران و خطر پذیری کاهش ریسک و آسیب‌ها افزایش ایمنی و کیفیت زندگی می‌باشد. در واقع شهر به عنوان بستر وقوع حوادث دارای اهمیت زیادی است از این رو برنامه‌ریزی شناخت فضاهای شهری و طراحی مناسب آن راهی است به سوی برآوردن نیازهای گوناگون شهروندان در سه بعد پیشگیری، مقابله و اقدامات پس از بحران. از این رو در برخورد با بحران‌ها در برنامه ریزی و طراحی شهری توجه به اصل انعطاف‌پذیری به عنوان یکی از عوامل خلق فضای شهری با کیفیت و تا باور فضا را قادر می‌سازد تا گزینه‌های متعددی را در هر زمان جهت مقابله و کاهش خطر پذیری و اثرات بحران به شهروندان ارائه نماید (فلاح و همکاران، ۱۳۵۴).

به عبارتی ابعاد سکونت‌گاه‌های شهری روز به روز پیچیده تر و به دنبال آن ناپایداری در زیست بوم‌های شهری نمایان شده است. از جلوه‌های این ناپایداری دوگانگی شدید و پیدایش مفاهیم همچون شهر آفتابگیر و شهر برف گیر، شهر روشنائی‌ها و شهر تاریکی‌ها، و شهر شمالی و شهر جنوبی است (Khuo, 2012). فرایند پویا و مداومی که آن ساختار کلانشهر و فضاهای کالبدی آن در جهات عمودی و افقی از حیث کمی افزایش و از حیث کیفی تغییر می‌یابد اگر سریع و بی‌برنامه باشد به ترکیب فیزیکی مناسبی از شهر نمی‌انجامد و در نتیجه سیما و پیکره شهر را دگرگون می‌کند؛ باعث ناکارآمدی و فرسایش فضاها و فعالیت‌های شهری می‌شود؛ و چهره تفاوت را القا می‌کند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳). گواه آشکار این دگرگونی شهری پدیداری و گسترش سامان نیافته و درهم پیچیده بافتهای شهر و در نهایت شکل یابی بافتهای مسئله دار و ناکارآمد شهری در داخل شهر امروزی است که ثبات و پایداری این بافت‌ها دچار مسائل و مشکلات بسیاری خواهد شد (زیباری و همکاران، ۱۳۹۱). دستیابی به توسعه فرهنگی مطلوب در مناطق کمتر توسعه یافته، محروم و بسیار محروم مستلزم توجه خاص به شرایط طبیعی اجتماعی و فرهنگی مناطق، بازنگری در وضعیت موجود، برنامه ریزی فضایی جهت افزایش کمی و کیفی منابع در است؛ چرا که آمایش فرهنگی در سایه تمرکززدایی، به کارگیری ظرفیت‌های جدید، سیاستگذاری‌های نوین فرهنگی-اجتماعی و اتخاذ راهبرد عدالت اجتماعی در تخصیص هدفمند خدمات میسر نخواهد گردید. لذا، با توجه به اهمیت بنیادین فرهنگ و نقش آن در جهان امروز و تاکید صاحب‌نظران و سازمان‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر و همچنین با توجه به رویکردهای اخلاقی و فرهنگی موجود، توسعه فرهنگی در دنیای کنونی ضروری و گریز ناپذیر به نظر می‌رسد (زارعی و استعلاجی، ۱۳۹۶).

امروزه در پی تغییرات سریع شهرها بخشی از بافتهای شهری به علت ناکارآمدی نتوانسته اند رابطه مناسب با محیط خود و خدمات دهی به بهره‌برداران برقرار کنند (نوری و همکاران، ۱۳۹۳). در بین این عوامل نظیر عواملی چون مخاطرات، عدم تطابق بافت‌ها با نیازهای امروزی و همچنین فرسودگی این بافتهای شهری و به ویژه بافتهای مسکونی را با تهدید مواجه نموده است (علیزاده، ۱۳۹۵). از این رو یکی از مهم‌ترین الزامات پرداختن به مسائل کاربردی بافتهای مسکونی در شهرها، تبیین مفهوم تاب‌آوری و به تبع آن مقاوم‌سازی این بافت‌ها در مواجهه با حوادث و مخاطرات احتمالی است. امروزه در سطح جهان تغییرات چشمگیری در نگرش به بافتهای مسکونی دیده می‌شود به طوری که دیدگاه غالب از تمرکز صرف و کاهش آسیب‌پذیری به افزایش تاب‌آوری در مقابل هر گونه مخاطره است. این پارادایم با رویکرد چند رشته‌ای برنامه ریزی تاب‌آوری را در جهت افزایش ظرفیت سیستم‌های اکولوژیکی برای جذب اختلالات و نیز برای حفظ بازخوردها، فرآیندها و ساختارهای لازم و ذاتی سیستم به کار می‌برد (Adger et al., 2005).

مبانی نظری تحقیق

واژه تاب‌آوری نخستین بار در مباحث مدیریت سوانح از سال ۲۰۰۵ در همایش هیوگو مطرح شد (Hiogo, 2005). به تدریج این مفهوم در هر دو بعد نظری و عملی کاهش خطرهای سوانح جایگاه بالاتری یافت و در ابعاد مختلف جامعه تاب‌آور، معیشت تاب‌آور، زیست‌بوم تاب‌آور و غیره مطرح شد (Buckle, 2001). تاب‌آوری شهری یک مفهوم نسبتاً جدید در مطالعات شهری و شهرسازی است (Jabbarien, 2014). تاب‌آوری برگرفته از نظم و انضباط بیولوژیکی است که توانایی ارگانیسم یک سیستم برای مقاومت در برابر یک شوک فاجعه و بیماری و بهبود یافتن از آن تعیین می‌گردد (عارفی، ۲۰۱۱؛ Folk, 2010). در نتیجه به‌صورت کلی تعریف تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری شهری را از چشم‌انداز بحران شهری به توانایی یک منطقه یا نظام شهری جهت مقاومت در برابر سیل گسترده‌ای از شوک و تنش می‌توان تعبیر کرد (Adger, 2000). چرا که امروزه فضاهای شهری به بهترین وجه می‌توانند نقش مراکز زندگی جمعی را ایفا کنند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۲). مطالعات انجام شده در دنیا نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری و گروه‌های مختلف مردم ساکن در نواحی خطر خیز شهر بسته به سطح زندگی و وضعیت اجتماعی و فیزیکی آنها در

نقاط مختلف متفاوت است (محمدی، سرین دیزج و احمد نژاد روشتی، ۱۳۹۵) و آسیب‌های ناشی از آن علاوه بر غافلگیری مسئولان هزینه‌های زیادی را تحمیل کرده و قابلیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به انواع دیگر آسیب‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را دارا می‌باشد.

رویکرد مفهومی تاب‌آوری

با توجه به مفهوم کلمه تاب‌آوری و تعریف‌های آن، رویکردهای تاب‌آوری روشی برای درک سیستم‌های دینامیک، تعامل بین افراد و محیط، چگونگی سازگاری و انطباق جوامع با مخاطرات و سوانح طبیعی و تبیین ابعاد اجتماعی و برای درک موضوعات مربوط به وابستگی منابع به کار برده می‌شود. رویکردهای مفهوم تاب‌آوری را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف) تاب‌آوری در مفهوم پایداری ب) تاب‌آوری در مفهوم بازیابی ج) تاب‌آوری در مفهوم گذار.

الف: تاب‌آوری به عنوان پایداری: رویکرد پایداری و تاب‌آوری در حوزه پایداری از مطالعات اکولوژیکی تاب‌آوری را به عنوان توانایی بازگشت به حالت قبل تعریف می‌کند و این رویکرد تاب‌آوری را به صورت یک مقدار احتمالی که یک سیستم قبل از اینکه به حالت دیگری منتقل شود می‌تواند تحمل را جذب کند تعریف می‌شود (Beatly & Newman, 2013). محققان آستانه را فراتر از آنچه جامعه سانحه زده قادر بازگشت به حالت عملکرد خود نیست را در نظر می‌گیرند. چون یک جامعه تاب‌آور دارای آستانه بالایی است و قادر به شدت و فشار زیادی قبل از اینکه به آستانه اش بگذرد است (Vindel, 2011).

ب: تاب‌آوری به عنوان بازیابی: رویکرد بازیابی از تاب‌آوری در ارتباط با توانایی جامعه برای بازگشت به گذشته از تغییر یا عامل فشار و برگشت به حالت اولیه آن است. تاب‌آوری در اینجا معیاری است که به عنوان زمان صرف شده یک جامعه برای بازیابی از تغییر اندازه گیری می‌شود (Macintyre, 2014). جامعه تاب‌آور قابل برگشت نسبتاً سریع به وضعیت قبلی است. در حالی که جامعه که تاب‌آوری کمتری دارد ممکن است زمان بیشتری را صرف بازیابی خود کند یا اصولاً قادر به بازیابی نباشد (Maguire & Hagan, 2007).

تاب‌آوری به عنوان دگرگونی: این رویکرد بیشتر در ارتباط با تاب‌آوری اجتماعی و به عنوان ظرفیت جامعه برای واکنش به تغییر و به شکل سازگاران بیان می‌کند که به جای بازگشت ساده به حالت قبل می‌تواند به معنای تغییر به حالت جدید که در محیط موجود پایدارتر است باشد. رویکرد دگرگونی به تاب‌آوری برای در واقع واکنشی که یک جامعه می‌تواند به شکل مثبت به تغییر نشان دهد مفید است و می‌پذیرد که تغییر غیر قابل اجتناب است و به جای اینکه تغییر را یک عامل فشار بداند، آنها چیزی در نظر می‌گیرد که جامعه به آن برای احیا به حالت اصلی نیاز دارد. رویکرد تاب‌آوری به عنوان دگرگونی ویژگی دینامیکی جامع و تعاملات انسان اکوسیستم را می‌پذیرد و مسیرهای پتانسیل چندگانه درون آنها را قبول می‌کند (Brown, 2014).

جدول ۱: برخی از تعاریف تاب‌آوری شهری

محقق	تعاریف تاب‌آوری
Walker et al. (2004)	ظرفیت یک سیستم برای جذب اختلال و سازماندهی مجدد در حالی که تحت تغییر بوده و به منظور حفظ اصل همان تابع، ساختار، هویت و بازخورد است.
Allenby & Fink (2005)	قابلیت یک سیستم برای حفظ عملکرد و ساختار آن سیستم در برابر تغییرات داخلی و خارجی است
Perrings (2006)	توانایی سیستم برای مقاومت در برابر شوک‌های زیست محیطی بدون از دست دادن ظرفیت تخصیص منابع کارآمد آن سیستم است.
Liu et al. (2007)	قابلیت حفظ ساختار و عملکرد پس از اختلالات برای توسعه مستمر است
Hamilton (2009)	توانایی بازیابی و ارائه ی عملکردهای اصلی خود از زندگی، تجارت، صنعت، دولت و اجتماع در برابر مصیبت‌ها و سایر خطرات است.
Leichenko (2011)	توانایی مقاومت در برابر یک آرایه وسیع از شوک و تنش است.
Desouza & Flanery (2013)	توانایی جذب، انطباق و پاسخگویی به تغییرات در سیستم‌های شهری است.
Lu and Stead (2013)	توانایی یک شهر برای جذب اختلال و حفظ عملکرد و ساختار آن است.
Bull, Castellacci, & Kasahara (2014)	توانایی یک سازمان برای انطباق با تغییرات در محیط اقتصادی و نهادی آن است.
Abunnasr (2013)	توانایی سیستم در بازگشت به حالت اولیه بعد از یک اختلال طبیعی و یا مشکلی که توسط انسان ایجاد می‌شود.
Caputo (2013)	قابلیت و توانایی سیستم به منظور ادامه عملکرد در برابر مشکلات و شرایط ناسازگار
UNISDR (2010)	توانایی یک سیستم یا جامعه برای مقاومت در برابر مشکل و خطری که با آن مواجه شده‌اند، تطبیق با آن، و رهایی از اثرات منفی آن در زمان مناسب و به شیوه‌ای کارا است درحالی که قادر به حفظ ساختار اساسی و عملکرد خود باشد

ابعاد و شاخص‌های تاب‌آوری شهری

تاب‌آوری اجتماعی: رویکرد تاب‌آوری اجتماعی روشی برای درک سیستم‌های پویایی است که با تعاملات بین مردم و محیط زیست در ارتباط هستند. تاب‌آوری اجتماعی دورنمای مفیدی برای درک تصمیمات مدیریتی و تغییرات مربوط به منابع طبیعی است. به طور خاص در طبقات اجتماعی با دارا بودن ویژگی که وجوه پاسخگویی مردم به حوادث غیرمترقبه را شامل می‌گردد شناخته می‌شود این سه جنبه عبارتند از: مقاومت، بازیابی و خلاقیت اجتماعی که از تاب‌آوری بالایی برخوردار باشد؛ ظرفیت نمایش اصلی ویژگی‌های ذکر شده در بالا را نیز دارد. مفهوم تاب‌آوری اجتماعی به خودی خود همان نگرانی‌های مفهوم تاب‌آوری را دارد و به علاوه به خاطر اختلاف در تعریف اجتماع پیچیدگی خاصی نیز دارد. به طور نمونه یک اجتماع موجودیتی که مرزهای جغرافیایی و سرنوشت مشترک دارد جامعه از محیط‌های ساخته شده طبیعی اجتماعی و اقتصادی که به طریق پیچیده بر هم تاثیر می‌گذارند تشکیل می‌شوند همان گونه که تاب‌آوری می‌تواند در سطوح مختلف تحلیل و درک شود تاب‌آوری اجتماعی نیز دارای سطوح‌ای است (معصومی، ۱۳۹۴). تاب‌آور شدن یک جامعه از مسائل مهم دنیای امروز است که پیوسته در معرض خطرات طبیعی و غیرطبیعی قرار دارد و این در دسترس نخواهد بود جز با بهره‌گیری از اشکال مختلف سرمایه مثل سرمایه اجتماعی. این بُعد تاب‌آوری شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند و در واقع بیانگر توان جامع برای پاسخ به بحران‌ها است (واجاری، سرور و استعلاجی، ۱۳۹۸).

تاب‌آوری اقتصادی: اقتصاد تاب‌آوری به عنوان واکنشی و سازگاری زیادی از افراد جامعه در برابر مخاطرات به طوری که آنها را قادر به کاهش خسارات زیان‌های بالقوه ناشی از مخاطرات سازد تعریف می‌شود. بنابراین تاب‌آوری اقتصادی دارای پیامک‌هایی برای هر پنج خاصیت تاب‌آوری است: پیش‌بینی، مقاومت (پایداری)، جذب، پاسخگویی و انطباق و بازیابی. تاب‌آوری اقتصادی ساختار و عملکرد پیش از شک را حفظ خواهد کرد. در واقع تاب‌آوری اقتصادی پیوستگی نزدیکی با استاندارد به کار رفته در خصوص تعادل در مسیر اصلی اقتصاد دارد.

تاب‌آوری نهادی: در این بعد ویژگی‌های فیزیکی سازمان‌ها از جمله تعداد نهادهای محلی دسترسی به اطلاعات نیروها و افراد آموزش دیده و داوطلب پایبندی به دستورالعمل‌های مدیریت بحران بهنگام بودن قانون و مقررات بازدارنده و تشویقی به ویژه در امر ساخت و ساز مسکن تعادلی نهادهای محلی با مردم و نهادهای دولتی رضایت از عملکرد نهادها و نحوه مدیریت و پاسخگویی به سوانح نظیر ساختار سازمانی ارزیابی می‌شود (رضایی، ۱۳۸۹).

یکی از اهداف جوامع تاب‌آور حفظ ارزش‌های کهن می‌باشد. در این راستا، بافت‌های تاریخی و محلات قدیمی دارای مسجد، آب انبار، حمام، حجره، بازار و انبوهی از خانه‌های تاریخی هستند که در خود روح هویت و فرهنگ را به شیوه‌ای ملموس برای همه نشان می‌دهند، به همین دلیل بسیار مهم و ارزشمند هستند. متأسفانه اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد در عرصه برنامه ریزی و مدیریت شهری در زمینه احیا و بهسازی بافت‌های فرسوده نه تنها امکان استفاده مجدد و حداکثری از این موقعیت را به مخاطره افکنده بلکه به تدریج موجب فرسودگی و ناکارآمدی بخش قابل توجهی از بافت‌های هسته مرکزی شهرها و ایجاد تضاد شدید بین بافت‌های شهری، به ویژه بافت‌های جدید که با تغییرات در نقش عملکردی خدماتی شهرها ایجاد شده اند، با بافت‌های تاریخی که توان تطابق با این تغییرات را نداشته اند گردیده است. این بافت‌ها علاوه بر وجود مسائل و مشکلات کالبدی، فضای شهری را نیز دچار تنزل نموده و حضور انسان را در فضاهای شهری با معضل روبرو ساخته اند (Phillips & smit, 2018).

تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری به موازات کاهش فقر شهری، ارتقا هویت و منزلت مکانی و حفاظت از ارزش‌ها و تحقق حکمروایی شهری از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد و توجه به تقویت و ارتقای آن در سطوح مختلف ضروری است. چالش اصلی موضوع در شهرسازی بدین شرح است پیشی گرفتن روند توسعه‌های شهری از برنامه ریزی و مدیریت عقلایی شهری و همچنین ناسامانی فضائی-کالبدی و افت منزلت اجتماعی و بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی باعث گردیده است که بخش غالب بافت فرسوده در منطقه ۷ تهران در معرض مخاطرات طبیعی و غیرطبیعی و انواع تهدیدات قرار بگیرد و بطور ملموس و عینی قابل مشاهده است. در این میان تلاش برای دستیابی به شرایطی که بازگشت به وضعیت پیش از بحران را فراهم سازد و انعطاف‌پذیری را افزایش دهد امری ضروری است. با توجه به اینکه همکاری و مشارکت بین گروه‌های اجتماع محلی در جهت اشتراک‌گذاری توانایی‌های همه‌جانبه یکی از ابعاد مهم تاب‌آوری اجتماعی بوده که همچنین در راستای افزایش ظرفیت‌های آمادگی، پیشگیری و مقابله با سوانح می‌باشد، لذا توجه به الزامات بازآفرینی پایدار در راستای پرداختن به بعد مشارکت تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یک اصل جدا نشدنی ضرورت دارد. زیرا یک اجتماع تاب‌آور، با ارتقا پتانسیل‌های مردمی و سازمانی خود، ضمن تحمل شوک‌های شدید ناشی از سوانح مانع از تبدیل آنها به بحران شده و احیا، بازسازی سریع و حفظ ارزش‌های کهن را در پی دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی نمونه مطالعاتی در زمینه تاب‌آوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی و بررسی روندها و رویه‌ها جهت ایجاد ساختار پیشنهادی می‌باشد.

از آنجایی که تاب‌آوری همه بخش‌ها و ملاحظات را در بر می‌گیرد، ابعادی که برای این بافت‌ها در نظر گرفته شده است نیز در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و برنامه ریزی در نظر گرفته شده است (نامجویان و همکاران، ۱۳۹۶). اگر بخواهیم ابعاد تاب‌آوری شهری را بیان کنیم، این ابعاد عبارتند از: اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی-محیطی و اقتصادی. یکی از مهمترین ابعاد تاب‌آوری شهری که ارتباط تنگاتنگی با مسئله شهر و بافت‌های فرسوده شهری دارد، تاب‌آوری اجتماعی است. یک اجتماع تاب‌آور قادر به پاسخگویی به تغییرات یا استرس‌ها به شیوه مثبت است. همچنین می‌تواند عملکردهای اصلی خود را علی‌رغم تلاشهایی که وجود دارد به عنوان یک کلیت حفظ کند. در نهایت این گونه می‌توان استنباط کرد که با افزایش مقاوم سازی و ایجاد ثبات و سازگاری در برابر تنش‌ها، ریسک و خطرات، می‌توان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های یک جامعه را بازسازی کرد و از آن‌ها در برابر شوک‌های پیش‌بینی نشده استفاده کرد. در این صورت هرچه انعطاف‌پذیری سیستم اجتماعی بیشتر باشد، آسیب‌پذیری اجتماعی آن جامعه از بحران‌ها و تنش‌ها کاهش خواهد یافت.

اما قبل از ارائه تعاریف ذکر دو نکته در همین زمینه لازم خواهد بود: نخست همان گونه که مطرح شد امروز تاب‌آوری به واژه‌های مهم در ادبیات بسیاری از رشته‌ها تبدیل شده است. اما متأسفانه، هیچ تعریف مشترک مورد توافقی از تاب‌آوری که در همه رشته‌ها استفاده شود وجود ندارد. اما به طور کلی می‌توان گفت تعاریف تاب‌آوری به طور صریح و غیرصریح، این پنج مفهوم مرکزی را دارا هستند:

مشخصه: تاب‌آوری مشخصه‌ای از اجتماع است.

تداوم: تاب‌آوری اجتماع از اجزای اصلی و پویای اجتماع است.

سازگاری: اجتماع می‌تواند با مشکلات و سختی‌ها سازگاری پیدا کند.

خط سیر: با در نظر گرفتن وضعیت پس از بحران، مخصوصاً بر حسب عاملیت

اجتماع سازگاری پیدا کردن به خروجی مثبتی برای اجتماع، ختم می‌شود.

قابلیت مقایسه: مشخصه تاب‌آوری اجتماع این امکان را برای اجتماع‌ها فراهم آورده که بر حسب توانایی‌هایشان در سازگاری به شکلی مثبت با سختی‌ها و مشکلات، با یکدیگر مقایسه شوند.

در جدول زیر مجموعه‌ای از تعاریف مهم ارائه شده از مفهوم تاب‌آوری اجتماعی گردآوری شده است:

جدول ۱: تعریف مفهوم تاب‌آوری اجتماعی

مؤلف	سال	تعریف
فیربام	۲۰۰۵	توانایی اعضای اجتماع برای انجام اقدامی معنادار، اندیشمندانه و جمعی برای علاج اثرات یک مشکل، از جمله توانایی تفسیر
برین و آندرس	۲۰۱۱	تاب‌آوری را به مفهوم بهبود یافتن بعد از استرس، تحمل فشارهای شدیدتر و آسیب کمتر بعد از هر فشار عصبی می‌دانند. سپس توضیح می‌دهند استرس می‌تواند هم به معنی سختی مزمن و هم به معنای بحرانی شدید باشد. در این معنی، تاب‌آور بودن یعنی مقاومت در برابر ناراحتی‌های زیاد بدون تغییر، از هم پاشیدن یا آسیب دیدن دائمی. تاب‌آوری به معنی بازگشت سریع به حالت نرمال و تغییر کمتر در مواجهه با این استرس هاست.
هارو	۲۰۰۹	تاب‌آوری در انعکاس مثبتی از محرومیت و آسیب‌پذیری، بحران‌ها را به فرصت تبدیل می‌کند. به معنی ایجاد تغییرات مثبت از شکست‌ها و عبور کردن به سلامت از فشارهای چندگانه. (Promberger et al., 2014)
لاسر و همکاران	۲۰۰۰	تاب‌آوری اجتماعی توانایی گروه‌ها یا مجامع در غلبه بر نقش‌ها، نا همگونی‌ها و نابسامانی‌های بیرونی است که این امر در نتیجه تغییرات محیطی، اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌شود. همچنین گاهی اوقات بیان شده است که معانی تاب‌آوری موضوعی گنگ و سخت است تا بتوان آن را به صورت کاربردی و عملی انجام داد (همان منبع).
بک من	۲۰۰۶	تاب‌آوری ظرفیت خانواده و جامعه را برای بازگشت و بهبودی پس از فاجعه و ظرفیت آن‌ها برای ساماندهی به منظور حفظ توابع حیاتی از معیشت است. این مفهوم به معنی توانایی برای انطباق و ایجاد ظرفیت برای مقابله با شوک‌های آینده نیز هست
موسسه تاب‌آوری منطقه‌ای و اجتماعی (Carri)		تاب‌آوری اجتماع عبارت است از قابلیت پیش‌بینی خطر، محدود کردن اثرات و بازگشت سریع به حالت عادی از طریق احیا، قابلیت سازگاری و انطباق، تحول و رشد در مواجهه با تغییرات پرتلاطم. در این تعریف، تاب‌آوری به عنوان مشخصه‌ای است که قابلیت سازگاری در هسته آن نهفته است. این تعریف به خط سیر مطلوب جوامع اشاره دارد و می‌تواند آن‌ها را در تشخیص میزان تاب‌آوری و انجام اقدامی جدی در ارتقای آن کمک کند.

مؤلف	سال	تعریف
نادین مارشال و پاول	۲۰۰۷	با این که مفهوم انعطاف پذیری اجتماعی پیچیده و چند بعدی است اما می‌توان بر حسب نتایج این تحقیق، انعطاف پذیری اجتماعی را مشتق شده از چهار عامل توصیف کنیم: <ul style="list-style-type: none"> ▪ ادراک خطر در مواجهه با آن ▪ توانایی برنامه ریزی، یادگیری و سازماندهی مجدد ▪ ادراکی از توانایی مواجهه با تغییر ▪ سطح علایق در سازگاری با تغییرات سپس در ادامه تأکید می‌کند در طراحی مدل مفهوم انعطاف پذیری اجتماعی سه ویژگی مهم باید در نظر گرفته شود: ۱. مقدار اختلالی که یک سیستم می‌تواند جذب کند و هنوز هم ساختار و عملکردهای قبلی خود را حفظ کند. ۲. درجه‌ای که یک سیستم قادر به خود ساماندهی است. ۳. درجه‌ای که یک سیستم می‌تواند ساخته شود و ظرفیت خود را برای یادگیری و تطبیق افزایش دهد.
باربارا مارتینی	۲۰۰۷	تاب‌آوری اجتماعی را در واقع همان روند تطبیق و سازگاری بعد از شوک‌ها برای افراد، سازمان‌ها و جوامع تعریف می‌کند. از نظر وی توانایی بهبود و یا مقاومت در برابر شوک‌ها در یک جامعه به عوامل مختلفی بستگی دارد از قبیل: زیرساخت‌های یک جامعه سازمان‌ها، سیاست‌ها و رفتارهای دولت ظرفیت مردم در مواجهه و مقابله با شوک‌ها و تنش‌ها و پاسخ به خطرات و بحران‌ها (بر همین مبنا گفته می‌شود که بحث تاب‌آوری اجتماعی با مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی رابطه تنگاتنگی دارند). در نهایت انعطاف پذیری اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند که می‌توان انعطاف پذیری اجتماعی را به عنوان توانایی یک جامعه به مقاومت در برابر شوک‌های خارجی با استفاده از زیرساخت‌های اجتماعی دانست. این یک توانایی فردی، سازمانی و اجتماعی است که جوامع برای انطباق، تحمل، جذب، مقابله تنظیم با انواع مختلف تغییر و تهدید کسب می‌کنند.
ایملی باید و کارل فولک	۲۰۱۲	برخی از جوامع در مواجهه با شوک‌ها و تنش‌ها از خود تاب‌آوری نشان می‌دهند. یعنی آن‌ها مجدداً سازماندهی می‌شوند بدون این که نقص قابل توجهی در عملکرد آن‌ها ایجاد شود. این در حالی است که بسیاری از جوامع در برابر همین تغییرات و شوک‌ها بسیار رنج می‌برند و مشکلات زیادی در مواجهه با این شوک‌ها برای آن‌ها ایجاد می‌شود. جوامع می‌توانند انعطاف پذیری خود را از طریق: ۱. توسعه مکانیسم‌ها و نهاد هایی که قادر هستند حوادث گذشته را پردازش کنند، ۲. سیستم‌های هشدار دهنده در محل، ۳. ایجاد سیاست هایی برای مقابله با تغییرات و اثرات آن‌ها و یادگیری چگونگی و آمادگی برای مواجهه با رویدادهای آینده افزایش دهند.
دنی مکینان و کیت دریکسان	۲۰۱۲	مفهوم تاب‌آوری اجتماعی را انتقالی از علوم طبیعی و فیزیکی به علوم اجتماعی و سیاست‌های عمومی می‌داند به نحوی که می‌گوید ادبیات تاب‌آوری اجتماعی ادبیات تهدیدات جهانی مانند بحران‌های اقتصادی، تغییرات آب و هوایی و حتی خطرات تروریسم بین المللی را شناسایی و بررسی کرده و بر ظرفیت‌های پاسخگویی جوامع و سیستم‌های اجتماعی به این بحران‌ها و تنش‌ها تمرکز می‌کند.
داویس و همکاران	۲۰۰۶	اجتماع تاب‌آور جامعه‌ای است که توانایی تحمل شوک‌ها و ضربه‌های وارد شده از خطر را به گونه‌ای که آن خطرها به سوانح تبدیل نشوند داشته باشد و در عین حال توانایی یا ظرفیت برگشت به حالت عادی در زمان و پس از سانحه و همچنین امکان فرصت برای تغییر و سازگاری پس از سوانح را نیز دارا باشد (Davis et al., 2006: 12)
سام آرام	۱۳۹۵	تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند جامعه بحران‌زده را از حالت ناموزونی اجتماعی به حالت موزون اجتماعی برگرداند و آن را در تعادل جدیدی قرار دهد و کارکردهای جامعه را در تعادل جدید تداوم بخشد.

تاب‌آوری اجتماعی اگر توجه به جنبه‌های تاب‌آوری در تاب‌آوری اجتماعی بیشتر از توجه به زیرساخت‌های کالبدی و فیزیکی در مدیریت بحران اهمیت داشته باشد دست کم به همان اندازه اهمیت دارد (Lucini, 2014).

در جایی که جنایت، بی‌خانمانی، بیکاری و بحث‌های مربوط به تغذیه نامناسب و آموزش ناکافی نمایان است، دیگر نمی‌توان برای مسائل پیشگیری از بلایای اهمیت زیادی قائل شد (Klein et al., 2003). بنابراین مفهوم تاب‌آوری گام به گام تکامل یافت و توجه از مفهوم اولیه اکولوژیکی آن به سمت مفهوم اجتماعی کشیده شد و سپس به سمت مفهوم اجتماعی جلب شد. اصطلاح تاب‌آوری اجتماعی اولین بار توسط ادگر مطرح شد. وی تاب‌آوری اجتماعی را به عنوان توانایی گروه‌های یا جوامع برای مقابله با تنش‌های خارجی و اختلالات در مواجهه با تغییرات اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی تعریف می‌کند (Adger et al., 2005). تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند. به طور کلی قابلیت تاب‌آوری اجتماعی توان یک اجتماع برای برگشت به تعادل یا پاسخ مثبت به مصیبت‌ها است.

از طرفی عامل کیفیت زندگی به عنوان یک محرک اجتماعی باعث حفظ نهادهای اجتماعی و ساختارهای خانوادگی شده و موجب ماندگاری جمعیت در یک مکان حتی در شرایط بروز تغییرات شدید اقلیمی می‌شود و این باعث می‌شود که تاب‌آوری اجتماعی افزایش پیدا کند. قیطرانی، شمس و رحمانی (۱۳۹۶) در تحقیق خود بر ابعاد ذهنی کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان و نقش این سطح از رضایتمندی بر میزان و نحوه انطباق پذیری و شکل‌گیری تاب‌آوری اجتماعی در مقابل آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی تاکید می‌کنند (قیطرانی، شمس و رحمانی، ۱۳۹۶). روحی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق خود نشان داده‌اند که یکی از مخاطرات طبیعی مانند سیل‌ها به عنوان تهدیدی برای ساختمان‌های مهم و حساس و حیاتی به‌نظر می‌رسد و آنها نشان داده‌اند که یکی از راهکارهای تاب‌آوری ساختمان‌ها در صورت خسارت دیدن و از بین رفتن، بالابردن تاب‌آوری اجتماعی ساکنان است (روحی، طهرانی، استعلاجی، و بهتاش، ۱۴۰۰).

با مقایسه اجتماعات گوناگون به این نتیجه می‌رسیم که عواملی مانند هویت که باعث ایجاد پاسخ‌های متفاوت در جامعه گوناگون نسبت به بلایای مشابه می‌شوند برای ایجاد سطوح مختلف تاب‌آوری در جامعه می‌شوند (Coming, 2010). وجود گروه‌های اجتماعی با شرایط اجتماعی-اقتصادی و میزان آسیب‌پذیری متفاوت و یک اجتماع به این معنا است که تاب‌آوری گروه‌های مختلف فرهنگی جامعه نسبت به یک حادثه متفاوت است. گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی مانند: سالخورده‌گان، بچه‌ها یا افراد با شرایط نامساعد اجتماعی ممکن است منابع و امکانات کمتری به منظور مقابله با بلایا در دسترس داشته باشند. شرایط اجتماعی باعث می‌شود تعدادی از اعضای جامعه در اثر مصیبت‌ها و اراده کمتر تاثیر پذیر باشند و بعضی‌ها بیشتر (Oxfam, 2005). در این حالت ایجاد شرایط مساعد به منظور توانا کردن گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی نوعی خلاقیت محسوب می‌شود و باعث ارتقاء تاب‌آوری اجتماعی می‌شوند. به عنوان مثال وجود شبکه‌های اجتماعی نزدیک و صمیمی سبب ارتقاء تاب‌آوری بزرگسالان در برابر جنبه‌های منفی پیری می‌شود یا آنکه در برخی موارد عامل‌هایی که باعث آسیب‌پذیری می‌شوند با آنهاپایی که باعث تاب‌آوری می‌شوند همپوشانی دارند ولی این مسئله که جامعه آسیب‌پذیر تاب‌آوری ندارد عمومیت ندارد. ممکن است در جامعه آسیب‌پذیری و بالا باشد ولی ارتباط اجتماعی قوی باشد که برگشت از حالت آسیب‌دیده زودتر رخ دهد. بنابراین در این حالت با وجود آسیب‌پذیری بالا تاب‌آوری بالا است (Shaw, D., Scully, J., Hart, T., 2014).

بعد تاب‌آوری اجتماعی تاکید بر تحقق پایداری اجتماعی در برابر سوانح از یک سو و شکل‌گیری و گروه‌های اجتماعی و جامعه محلی از سوی دیگر در فرایند بازتوانی بعد از سوانح از طریق ارتقای سرمایه اجتماعی است و به ارتقای حس دلبستگی به مکان حس جامعه محلی افزایش مشارکت ساکنین در بازسازی و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی کمک می‌کند و بازتوانی و بازسازی جامعه محلی با حفظ نظام‌های اجتماعی موجود را در زمان سانحه و نیز برای جامعه محلی بعد از سانحه تسهیل می‌کند (لک، ۱۳۹۲).

مگویر و هاگان (۲۰۰۷) بر اساس جمع‌بندی نظریات تعدادی از اندیشمندان و یارانه‌ای را برای سنجش تاب‌آوری اجتماعی معرفی کردند که عبارتند از: اعتماد، مدیریت سرمایه اجتماعی، میزان اشتراک‌های ساکنان، پیوستگی اجتماعی و اجتماع و تقسیم کار و همکاری ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای حاضر، ارتباطات و اطلاعات منابع مورد نیاز (Maguire, B., & Hagan, P., 2007).

شاخص‌های سنجش تاب‌آوری اجتماعی از نظر برخی از دانشمندان

ادگر (۲۰۰۰) معتقد است جامعه‌ای که در آن‌ها با تنوع منابع مواجه این به دلیل انعطاف‌پذیری بالاتر، تاب‌آورترند. مهاجرت و استرس جابجایی نمایان توجه جمعیت را اغلب این نشانه‌ای از شکست تا به حال اجتماعی می‌دانند. زیرا مهاجرت اغلب بررسی ساختارهای اجتماعی هر جامعه اثر منفی می‌گذارد از سایر عناصر مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی بر طبق برداشت نظریات اگر همکاری و مشارکت شهروندان همبستگی اجتماعی، داشتن هویت واحد، حس تعلق به مکان، دوجود امنیت و فراگیری اجتماعی را می‌توان استخراج کرد (Adger, W. N., 2000). پلینگ و

هایگ (۲۰۰۵) معتقدند روابط اجتماعی غیررسمی بهترین منبع برای درس ظرفیت‌ها به منظور ایجاد تاب‌آوری اجتماعی و تغییر جهت جمعی است (Xia Wua, et al., 2020). کاتر (۲۰۰۸) می‌نویسد تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند از طریق ثروت، دسترسی به منابع مالی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی و درک خطر از سوی جامعه افزایش می‌یابد. سینز و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی چهار عنصر میزان دارایی، انطباق پذیری، ظرفیت برای خود سازماندهی و ظرفیت یادگیری جامعه را به عنوان اجزای کلیدی تاب‌آوری اجتماعی معرفی می‌کنند و معتقدند تاب‌آوری اجتماعی در مقیاس محلی منطقه‌ای و ملی قابل بررسی است در حالی که این سه سطح به یکدیگر مرتبط هستند (Sinner et al., 2009). از سوی دیگر قدرجانی و قیصرانی (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که با جلب مشارکت مردم از طریق عوامل مؤثر در این حیطه مانند اعتماد سازی در بین مردم، ایجاد ضمانت اجرایی از سوی دولت، مشوق‌های مالی و غیره با توجه به ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های امکان دستیابی بهسازی و نوسازی مطلوب محقق خواهد شد. بر اساس این مطالعات نشان داده شده است که رویکرد مشارکت‌جویانه می‌تواند تاب‌آوری را در بافت‌های فرسوده به حداکثر برساند.

بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران کمبودها و نارسایی‌های جدی در زمینه اجتماعی دارد. عواملی همچون مهاجرت ساکنین اصلی از این مناطق به نقاط دیگر شهر، ورود مهاجرانی با پایگاه‌های متنوع اجتماعی و فرهنگی و جایگزینی آن‌ها در این بافت، کمبود همبستگی‌های اجتماعی، فقدان آموزش صحیح شهروند در همه حوزه‌ها به ویژه مواجهه معقول و منطقی با سوانح طبیعی و در نتیجه کمبود حس تعلق مکانی در ساکنان این مناطق کاملاً مشهود است (شهری و همکاران، ۱۳۹۶؛ رضایی، ۱۳۸۹). با وقوع زلزله‌های مخرب، خسارات و تلفات جانی و مالی زیاد بر شهر تهران تحمیل خواهد شد. با بوجود آمدن چنین حادثه دهشتناکی بر برنامه ریزان و مسئولین مدیریت شهر است که با جایگاه و ویژگی‌های مسئولیتی خود را انجام داده تا بتوانند میزان این خسارت را تا حد امکان کاهش دهند. بنابراین، در این تحقیق تاب‌آوری اجتماعی بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران در مواجهه با سوانح طبیعی به عنوان موضوع و مسئله تحقیق مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. در اینجا دو سوال اصلی مطرح است: تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران در چه وضعیتی است؟ مهمترین عامل در بروز این وضعیت، در منطقه ۷ شهر تهران کدام ویژگی است؟

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش بررسی توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. در این پژوهش با توجه به مسئله و هدف تحقیق واحد تحلیل خانوار در محلات موجود در بافت فرسوده منطقه ۷ تهران است. از این رو جامعه آماری این پژوهش همه خانوارهای ساکن در محله‌های موجود در بافت‌های فرسوده منطقه ۷ تهران قرار دارند. جمعیت جامعه آماری این تحقیق طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۷، حدود ۶۰ هزار نفر می‌باشد که با توجه به جامعه آماری حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۰۰ نفر برآورد شد که به روش تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق برای جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه مشاهدات میدانی اجتماعی استفاده شد و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای آماری SPSS و PLS بهره گرفته شد.

محدوده مورد مطالعه منطقه ۷ تهران با وسعت ۱۵۴۰ هکتار تهران را پوشش می‌دهد. این منطقه به ۵ ناحیه و ۱۴ محله تقسیم می‌شود. منطقه ۷ تهران از شمال به مناطق ۳ از شرق به منطقه ۸ از غرب منطقه ۶ از جنوب منطقه ۱۲ محدود می‌شود. جمعیت این منطقه در آخرین سرشماری ۱۳۹۵ معادل ۳۳۰ هزار نفر است و ۹۱ هزار خانوار در این منطقه زندگی می‌کنند که از این تعداد ۱۳۲ هزار مرد و ۱۱۷ هزار زن هستند.



شکل ۱: موقعیت منطقه ۷ در سطح شهر تهران

Source: <http://region7.tehran.ir>



شکل ۲: نقشه کلی منطقه ۷ به تفکیک نواحی و محلات
Source: <http://region7.tehran.ir>

بافت‌های فرسوده به دلیل ساخت و ساز در گذشته بطور معمول تعداد طبقات پایین تری نسبت به سایر نقاط شهری دارند. همچنین سودآوری و الگوی زندگی آپارتمان نشینی سبب شده است تا ساخت و ساز در طبقات مورد استقبال عموم ساکنان قرار گیرد و تمایلی برای ساخت واحدهای مسکونی ویلایی یا ۲ طبقه در محدوده بافت‌های فرسوده وجود نداشته باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت میزان واحدهای آپارتمانی با طبقات بالای ۴ یا ۵ طبقه نشانی از میزان نوسازی در سال‌های اخیر در بافت فرسوده است. در این منطقه، ۸ محله از ۱۴ محله موجود دارای بافت فرسوده هستند. این محلات عبارتند از: آرامنه، حشمتیه، دبستان، نظام آباد، شاهد، گرگان، خواجه نظام الملک و خواجه نصیر حقوقی.

فرسودگی و کیفیت پایین ابنیه در محلات بافت فرسوده از دیگر معیارهای مؤثر در فرسودگی بافت‌ها است. کیفیت ابنیه هرچند معیاری کالبدی در بافت‌های فرسوده است اثراتی در ابعاد گوناگون دیگر دارد. کیفیت پایین ابنیه ایمنی واحد مسکونی را کاهش داده و در صورت وقوع بلایای طبیعی نظیر زلزله امکان تخریب و آسیب رسانی به بافت محله بسیار شدید خواهد بود.

به عنوان مثال در محله آرامنه و بر مبنای اطلاعات تحلیل شده نزدیک به نیمی از واحدهای برداشت شده ۱ الی ۲ طبقه (۴۵/۷۸ درصد) است. واحدهای بالای ۵ طبقه را می‌توان ساخت و سازهای اخیر در محله دانست که بر این مبنای ۱۹/۷۷ درصد از واحدها ۵ الی ۶ طبقه و ۰/۹۹ درصد ۷ طبقه و ۴ واحد ۸ طبقه موجود است.



شکل ۳: محدوده بافت فرسوده منطقه ۷
Source: <http://region7.tehran.ir>

در محله آرامنه بیش از نیمی از قطعات کیفیت تخریبی و فرسوده دارند (۵۳/۷۳ درصد). کیفیت ثبت شده میراث فرهنگی در محله وجود ندارد. تنها دو درصد از قطعات فاقد بنا است. میزان نوسازی و در حال ساخت نیز در حدود ۲۲ درصد از کل قطعات محله را شامل می‌شود. کیفیت بیشتر قطعات درون محله از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند که نیاز مبرم به نوسازی را درون محله نشان می‌دهد. همچنین تعداد طبقات پایین قطعات و کیفیت پایین قطعات مسکونی همبستگی دارند.

براساس اطلاعات دریافتی از سازمان نوسازی، در مجموع ۶۳۹ پروانه ساختمانی در یک دهه گذشته صادر شده است. در مجموع ۸۳۶۷۱ مترمربع از کل مساحت بافت فرسوده نوسازی شده است. که برابر با ۷۵۲ پلاک نوسازی و ۳۰۴۴۴۱ مترمربع زیربنا است.



شکل ۴: میزان بافت فرسوده منطقه ۷ از روی نقشه‌های GIS

جدول ۲: اطلاعات جمعیتی و مساحت بافت فرسوده منطقه ۷ تهران

۱۵۳۰	مساحت منطقه (هکتار)
۲۳۷.۵	بافت فرسوده منطقه (هکتار)
۱۵.۵۲	بافت فرسوده منطقه (درصد)
۳۰۹۵۳۱	جمعیت منطقه (نفر)
۸۶۷۸	جمعیت ساکن منطقه در محلات بافت فرسوده (نفر)



شکل ۴: میزان توزیع جمعیت ساکن و جمعیت شاغل با توجه به نحوه تراکم

منطقه ۷ علی‌رغم برخورداری از ویژگی‌هایی مانند قدمت و ارزش تاریخی و با توجه به اینکه تقریباً در مرکز تهران قرار دارد و دارای آثار تاریخی از جمله زندان قصر، کلاه فرنگی و غیره است به استناد مطالعات مختلفی که در این زمینه انجام گرفته است بسیار شکننده است از این رو در این تحقیق منطقه ۷ برای مطالعه انتخاب شد.

روش تحقیق

داده‌های این پژوهش از دو طریق اسنادی کتابخانه‌های پرسشنامه‌ای جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه شامل ۴۵ سوال و ۶ خرده‌مقیاس میزان تعاملات اجتماعی، هویت محله‌ای، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، آموزش شهروندی و امنیت است در نهایت مقیاس کلی تاب‌آوری اجتماعی است که از میانگین نمرات این ۶ خرده‌مقیاس محاسبه می‌شود. با توجه به ماهیت پرسشنامه مؤلفه‌های مورد بررسی طیف ۵ ارزشی (خیلی مخالف - خیلی موافق) لیکرت برای اظهار نظرهای شهروندان به کار گرفته شد و روشن است اگر رفتار گونه‌ای خیلی مخالف و مخالف را در پرسشنامه علامت بزنند مقدار عددی ۱ مقدار عددی ۲ یعنی تاب‌آورهای اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران در وضعیت نابسامان است و اگر گزینه متوسط یعنی مقدار عددی ۳ راه علامت بزنند نتیجه استنباط نمی‌شود. به عبارتی عدد ۳ مرز بین نابسامانی و بسامانی است و اگر افراد گزینه‌های موافق و خیلی موافق به ترتیب مقادیر عددی ۴ و ۵ را علامت بزنند، یعنی تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ تهران در وضعیت بسامانی قرار دارد. روش آماری آزمون فرضیه تی تک نمونه‌ای با عدد ثابت ۳ است. یعنی اگر میانگین مقدار عددی تاب‌آوری اجتماعی از نظر آماری از ۳ کوچکتر باشد، تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران در وضعیت نابسامانی قرار دارد. همچنین باید اشاره کرد که معادلات ساختاری تحلیلی چندمتغیره بسیار قوی از خانواده رگرسیون چند متغیره بوده و ضمن بیان دقیق‌تر بست مدل خطی به محقق امکان می‌دهد مجموعه‌ای از مهاجرت روستاییان را به طور همزمان آزمون کنند و از آنجا که این تغییر از نوع همبستگی است مدلسازی معادلات ساختاری به کار گرفته شد.

یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق آزمون تی تک نمونه‌ای با ارزش آزمون ۳ اجرا شد. به طوری که اگر میانگین متغیر میزان تعاملات اجتماعی، هویت محله‌ای، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، آموزش شهروندی، امنیت و تاب‌آوری اجتماعی از نظر آماری از ۳ کوچکتر باشد این متغیرها و در نهایت تاب‌آوری اجتماعی در وضعیت نابسامانی قرار دارد.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تاب‌آوری اجتماعی

نوع	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
میزان تعاملات اجتماعی	۲۰۰	۲/۶۵	۰/۸۷۶۳
هویت محله‌ای	۲۰۰	۲/۶۰	۰/۷۸۱۰
حس تعلق به مکان	۲۰۰	۲/۵۱	۰/۹۷۶۳
مشارکت اجتماعی	۲۰۰	۲/۴۷	۰/۶۷۳۴
تاب‌آوری اجتماعی	۲۰۰	۲/۴۰	۰/۳۶۵۴
آموزش شهروندی	۲۰۰	۲/۳۲	۰/۹۸۷۲
امنیت	۲۰۰	۲/۲۷	۰/۵۶۴۷

سطح معناداری آزمون تی نشان می‌دهد برابر بودن میانگین میزان تعاملات اجتماعی، هویت محله‌ای، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، آموزش شهروندی، امنیت و تاب‌آوری اجتماعی پایین‌تر از ۳ است و با توجه به جدول ۱ میانگین تعاملات اجتماعی برابر با ۲/۶۵؛ میانگین هویت محله‌ای برابر ۲/۶۰؛ حس تعلق به مکان برابر ۲/۵۱؛ مشارکت اجتماعی برابر با ۲/۴۷؛ میانگین تاب‌آوری اجتماعی کلی ۲/۴۰؛ آموزش شهروندی برابر با ۲/۳۲ و امنیت برابر عدد ۲/۲۷ از ۳ کوچکترند و این نتایج نشان‌دهنده تایید فرضیه اصلی اول و فرضیه‌های فرعی مربوط به آن است. برای آزمون فرضیه اصلی معادلات ساختاری انجام گرفت. ابتدا برازش مدل اندازه‌گیری بررسی شد. منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوط به سازگاری و توافق دارد. بنابراین در ادامه برازش مدل مفروض پژوهش بررسی می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل شود و در نهایت پاسخ پرسش‌های پژوهش استنتاج شود. بررسی برازش مدل مفهومی مدل در دو مرحله انجام گرفته است. نخست ارزیابی برازش بخش اندازه‌گیری مدل و دوم ارزیابی برازش بخش ساختاری مدل که در ادامه به تفصیل درباره آنها بسته شده است.

جدول ۴: شاخص‌های پرسشنامه و میزان ضریب پایایی آن‌ها

میزان α	متغیر	شماره شاخص
۰/۷۲	حس تعلق به مکان	۱
۰/۷۶	مشارکت اجتماعی	۲
۰/۸۷	آموزش شهروندی	۳
۰/۶۷	میزان تعاملات اجتماعی	۴
۰/۷۱	تاب‌آوری اجتماعی	۵
۰/۷۴	هویت محله ای	۶
۰/۷۸	امنیت	۷

در این تحقیق برای پایایی، از پایایی درونی به کمک نرم افزار SPSS اقدام به محاسبه آلفای کرونباخ شده است. هرچه مقدار این ضریب از ۰/۷۰ بیشتر باشد، پایایی تحقیق مورد تأیید واقع می‌گردد. همانطور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، برای تحقیق حاضر میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بدست آمد. لذا با توجه که میزان آلفا از ۰/۷۰ بالاتر است، سؤالات پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار هستند.

جدول ۵: مقدار آلفای کرونباخ سؤالات پرسشنامه محقق ساخته

پایایی	
آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات
۰/۷۴	۴۵

با توجه به مقدار ضریب آلفای کرونباخ که برابر با ۰/۷۴ می‌باشد، پایایی تحقیق تأیید شده است

در توصیف جدول پایین آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های میزان تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، و هویت محله‌ای در خصوص تاب‌آوری بافت فرسوده منطقه ۷ با فاصله اطمینان ۹۵٪ در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است. همچنین با توجه به اولویت هر کدام از شاخص‌ها در آزمون فریدمن، نشان داده شد که شاخص تعاملات اجتماعی دارای بیشترین تأثیر و شاخص‌های حس تعلق به مکان و مشارکت اجتماعی در رتبه دوم و سوم بودند. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده میتوان گفت فرض محقق در خصوص تأثیر شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی در بافت‌های فرسوده منطقه ۷ تأیید می‌شود. به عبارت دیگر عوامل میزان تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، و هویت محله‌ای بر میزان تاب‌آوری اجتماعی بافت‌های فرسوده منطقه ۷ تأثیر معنادار دارد.

جدول ۶: آزمون t تک نمونه‌ای به ترتیب اولویت میزان تأثیر متغیرها

95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig (2-tailed)	df	متغیر
lower	upper				
۰/۴۶۲۹	۰/۸۰۰۳	۰/۶۳۱۵	۰/۰۰۱	۱۹۸	میزان تعاملات اجتماعی
۰/۱۷۶۹	۰/۴۹۴۱	۰/۳۳۵۵	۰/۰۰۱	۱۹۸	حس تعلق به مکان
۰/۱۷۶۹	۰/۴۹۴۱	۰/۳۳۵۵	۰/۰۰۱	۱۹۸	مشارکت اجتماعی
۰/۱۱۷۵	۰/۴۴۸۳	۰/۲۸۲۸	۰/۰۵	۱۹۸	هویت محله ای
۰/۱۵۵۰	۰/۸۷۶	۰/۵۶۱	۰/۶۵	۱۹۸	آموزش شهروندی
۰/۲۳۱۴	۰/۶۵۴۳	۰/۳۳۵۵	۰/۱۲	۱۹۸	امنیت
۰/۸۷۶۱	۰/۷۶۵۴	۰/۳۳۵۵	۰/۰۳	۱۹۸	تاب‌آوری اجتماعی

مدل اصلی تحقیق

شاخص‌های برازش مدل فرضیه اصلی پژوهش

سوال اساسی مطرح شده این است که آیا این مدل، مدل مناسبی می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش بایستی آماره‌های میانگین واریانس استخراجی (Average Variance Extracted)، قابلیت اطمینان مرکب (C.R.Composite Reliability) و

آلفای کرونباخ جهت مناسب بودن برازش مدل مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به خروجی PLS و با توجه به نتایج جدول ۵ و ۶ که از خروجی نرم‌افزار PLS بدست آمده‌اند، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مدل مذکور مدل مناسبی از نظر شاخص‌های برازش می‌باشد. کلیه شاخص‌های ارزیابی تناسب برازش مدل همراه با مقادیر آنها در این جداول ارائه گردیده و نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد.

جدول ۷: بررسی شاخص روانی همگرا (AVE: Average Variance Extracted) جهت مناسب بودن مدل تحقیق

نام متغیر	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل	نتیجه‌گیری
میزان تعاملات اجتماعی	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۶۳	برازش مدل مناسب است
مشارکت اجتماعی	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۵۹	برازش مدل مناسب است
آموزش شهروندی	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۵۸	برازش مدل مناسب است
حس تعلق به مکان	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۶۷	برازش مدل مناسب است
امنیت	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۶۷	برازش مدل مناسب است
میزان تعاملات اجتماعی	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۶۷	برازش مدل مناسب است
تاب‌آوری اجتماعی	بیشتر یا برابر ۰/۵	۰/۶۷	برازش مدل مناسب است

جدول ۸: بررسی شاخص آلفای کرونباخ

نام متغیر	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل مورد نظر	نتیجه‌گیری
میزان تعاملات اجتماعی	بیشتر از ۰/۷	۰/۹۰	برازش مدل مناسب است
مشارکت اجتماعی	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۸	برازش مدل مناسب است
حس تعلق به مکان	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۹	برازش مدل مناسب است
تاب‌آوری اجتماعی	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۲	برازش مدل مناسب است
آموزش شهروندی	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۲	برازش مدل مناسب است
هویت محله‌ای	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۲	برازش مدل مناسب است
امنیت	بیشتر از ۰/۷	۰/۸۲	برازش مدل مناسب است

با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی در بازه قابل قبول قرار گرفته‌اند و وضعیت پایایی و روانی همگرایی رابطه بیرونی مدل پژوهش را تایید کرد. همچنین مقدار آماره استیون کینزر که معرف تناسب پیش بین مدل است برای همه متغیرها مقداری مثبت است که مثبت بودن این متغیر نشان دهنده تناسب پیش‌بینی برای سازه‌ها است به طور کلی نتایج نشان دهنده برای تایید مدل اندازه‌گیری تاب‌آوری اجتماعی است.

بنابراین با توجه به اجرای استاندارد مدل فرضیه دوم تحقیق تایید می‌شود یعنی کمبود میزان تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی در وضعیت نابسامان تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ تهران است.

نتیجه‌گیری

در متون علمی تغییرات زیادی در نگرش به سوانح طبیعی دیده می‌شود به طوری که دیدگاه غالب از تمرکز صرف و کاهش آسیب‌پذیری به افزایش توانایی در مقابل سوانح تغییر یافته است. باید توجه کرد که دانش محدودی در زمینه تاب‌آوری اجتماعی وجود دارد. در مطالعات مختلف توصیف‌های متفاوتی از مفهوم تاب‌آوری اجتماعی بیان شده است اما به طور کلی تاب‌آوری اجتماعی به عنوان توانایی یک نهاد اجتماعی در بازگشت به عقب یا پاسخ مثبت در مقابل آشفتگی‌ها برای آن تعریف شده است. در این زمینه توانایی اجتماعی در سه بعدی بیشتر مورد تاکید است. ۱. بعد مقاومت: توانایی که یک جامعه برای کاهش اختلال دارد. ۲. بعد بازپایی: تمرکز و سرعت و توانایی بازپایی ناشی از عوامل استرس‌زا اختلال دارد. ۳. بعد خلاقیت: که به توانایی یک سیستم اجتماعی برای حفظ روند امورات اشاره می‌کند به طوری که جامعه ما نه تنها به آشفتگی بودن پاسخ بدهد، بلکه در انجام دادن این کار به سطح عملکرد بالاتری نیز برسد.

هدف این تحقیق و ارزیابی و سنجش تاب‌آوری اجتماعی بافت فرسوده منطقه ۷ تهران بود. فرضیه‌هایی برای رسیدن به این مرز و طراحی و تدوین شد. پس از بررسی فرضیه اصلی اولین فرضیه‌های فرعی مرتبط با این نتیجه حاصل شد که وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه مورد نظر در وضعیت نابسامان قرار دارد که با ۶ مؤلفه میزان تعاملات اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حس تعلق به مکان، آموزش شهروندی، هویت محله‌ای، و امنیت سنجیده شد. در ادامه فرضیه فرعی آزمون شد که نتیجه نشان داد که تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی مهمترین عامل در وضعیت نابسامان تاب‌آوری اجتماعی در بافت فرسوده منطقه ۷ شهر تهران است. در این شرایط به برنامه‌ریزی مسئولان مدیریت شهری است که در راستای به کارگیری بهتر بستری طرف کارهای علمی و عملیاتی وضعیت نابسامانی تاب‌آوری اجتماعی منطقه مورد نظر را ساماندهی کرده و این امر مستلزم به کارگیری همه ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه ۷ تهران است. در گام نخست بایستی ارتباط بالایی از طریق آموزش‌های شهروندی بین ساکنین این محلات صورت پذیرد. در گام بعدی مشارکت در کلیه امور مرتبط با بافت‌های فرسوده از طریق افراد شاخص محلی و شورایی‌های محله صورت بگیرد تا حس تعلق به مکان و هویت محله در دیدگاه همه ساکنین شکل بگیرد. همچنین در این شرایط وظیفه برنامه‌ریزان و مسئولان مدیریت شهری است که در راستای به کارگیری بهتر و سریعتر راهکارهای علمی و عملیاتی وضعیت نابسامان تاب‌آوری اجتماعی منطقه مورد نظر را ساماندهی کنند و این امر مستلزم ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه مورد نظر است. لذا باید از خود ساکنان اصلی منطقه که بدنبال مهاجرت از محله هستند، جلوگیری بعمل آمده و در گام بعدی در راستای تعاملات بیشتر اجتماعی در سطح منطقه برنامه‌ریزی شود تا مشارکت اجتماعی، هویت محله‌ای و حس تعلق مکانی در این منطقه افزایش پیدا کرده و به همین منظور تاب‌آوری اجتماعی نیز در وضعیت مطلوبی قرار گیرد.

در این تحقیق با توجه به بررسی‌های انجام شده نشان داده شد که ساکنین این محلات علی‌رغم پیوند عاطفی با محله و تمایل به آزادی در انتخاب نوع روابط، تمایل به ادامه زندگی در این محلات و برخورداری از پیوندهای عاطفی با محله، کاهش و تغییر در روابط و آزادی در انتخاب روابط خویش را دنبال می‌کنند. پیامد این واکنش‌ها در ساکنان به صورت تمایل به شکل‌گیری تبلور یافته است و شاهد حضور تمامی ساکنین در شبکه‌های اجتماعی متفاوتی هستیم که بر شبکه‌های اجتماعی مبنای میل و سلیقه خود در آن حضور داشته و فعالیت می‌کنند.

این تحقیق بر ضرورت توجه به تاب‌آوری اجتماعی محلات مسکونی بافت فرسوده منطقه ۷ در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تاکید می‌کند؛ بدین معنا که علاوه بر بالابردن میزان تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های اجتماعی بین ساکنین باید در گام‌های بعدی آموزش شهروندان جهت آمادگی ساکنین محلات بافت فرسوده در برابر هرگونه بحران در اولویت قرار گرفته و در مراحل بعد با برگزاری مانور بر کاهش آسیب‌پذیری اثر گذاشت. همچنین در قالب برنامه‌ریزی میان مدت اقداماتی همچون سیاست‌های تشویقی جهت مقاوم‌سازی، مدیریت منابع و اتخاذ تصمیمات به موقع و متناسب در حین بحران و پس از آن ضروری است.

منابع

- رضایی، م (۱۳۸۹). ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی و نهاد جوامع شهری در برابر سوانح طبیعی مطالعه مورد: زلزله محله‌های شهر تهران. مجله مدیریت بحران شماره ۳، صفحات ۲۷-۳۸.
- رضویان، م؛ توکلی نیا، ج؛ فرزاد بهتاش، م، خزایی، م. (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی بافت فرسوده منطقه ۲۱ شهر تهران در مواجهه با سوانح طبیعی. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۴، ۵۹۵-۶۱۲.
- روحی، ب، میرزا ابراهیم طهرانی، م، استعلاجی، ع، محمدرضا، ف. (۱۴۰۰). تاب‌آوری ساختمان‌های مهم شهر همدان در برابر سیلاب با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری لیزرل. مدیریت مخاطرات محیطی (دانش مخاطرات سابق)، دوره هشتم، شماره سوم، ص ۲۰۷-۲۲۸.
- زارعی، یقوب، استعلاجی، علیرضا (۱۳۹۶). سنجش و تحلیل برخی مؤلفه‌های فرهنگی توسعه در شهرستان‌های استان بوشهر با بهره‌گیری از مدل‌های ترکیبی تصمیم‌گیری چند شاخصه. مطالعات محیطی هفت حصار، شماره بیست و دوم، سال ششم ص ۶۳-۸۰.
- شهرکی، سعید، زیار، کرامت اله، و پوراگرمی، محمد (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل میزان تاب‌آوری کالبد منطقه شهر تهران در برابر زلزله با استفاده از مد FANP و ویکور. فصلنامه ۳۲، انجمن جغرافیایی ایران سال ۱۵، شماره ۵۲، صفحات ۱۰۲-۸۱.

- علیزاده، م. (۱۳۹۵). ارزیابی آسیب‌پذیری زیرساخت‌های شهری کوه‌دشت با رویکرد پدافند غیرعامل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر سعید امانپور، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فلاح، م. محمد مسعود، نوایی، الف. (۱۳۹۳). نقش طراحی فضاهای شهری انعطاف‌پذیر و تاب‌آور در مدیریت بحران، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران‌های طبیعی.
- قدرجانی، ر.، قیطرانی، ن. (۱۳۹۱). بررسی روش‌های ارتقاء مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی مسکن فرسوده (مطالعه موردی: محله جولان در شهر همدان). هفت‌حصار، شماره دوم، سال اول، ص ۸۳-۷۵.
- قیطرانی، ن.، شمس، م. رحمانی، ب. (۱۳۹۶). نقش کیفیت زندگی در ایجاد تاب‌آوری اجتماعی (۱۳۹۶). مطالعات محیطی هفت‌حصار شماره بیست و چهارم، سال ششم، ص ۴۱-۵۴.
- لک، آ. (۱۳۹۲). طراحی شهر تاب‌آور. فصلنامه صفا، شماره ۶۰، صفحات ۹۲-۱۰۴.
- محمدرضا صابر زالی نادر دلیل شاخه‌های آسیب‌پذیر بافت‌های فرسوده با رویکرد مدیریت بحران زلزله محله سیروس. پژوهش‌های جغرافیای انسانی دوره ۴۸ شماره ۱ بهار ۹۵
- معصومی، ل. (۱۳۹۴). تاثیر سبک زندگی بر انعطاف‌پذیری شهری (مطالعه تطبیقی: مناطق ۱ و ۱۹ شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری.
- منوریان، ع.، امیری، م.؛ ملک‌لی، س. (۱۳۹۷). شناسایی اثر گذار بر افزایش میزان توانایی چاپ اجتماعی محلات آسیب‌پذیر و دارای بافت فرسوده در مواجهه با حوادث طبیعی شهر موردی تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری سال دهم شماره ۳۴ تابستان ۱۳۹۷.
- نادری، کاوه؛ موحد، علی؛ تیروزی، محمدعلی؛ حدیدی، مسلم؛ اصفایی، ایوب (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی مداخله بافت فرسوده شهری با استفاده از مدل تحلیل سلسل مراتبی فازی (FAHP) محدوده مرکزی شهر سقز، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۸، شماره ۱.
- واجاری، ف.، سرور، ر.، استعلاجی، ع. (۱۳۹۸). رتبه‌بندی نواحی منطقه ۱۵ تهران بر اساس مؤلفه‌های تاب‌آوری. فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره دوم، ص ۴۲۵-۴۳۸.
- Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: are they related?. *Progress in human geography*, 24(3), 347-364.
- Adger, W. N., Hughes, T. P., Folke, C., Carpenter, S. R., & Rockstrom, J. (2005). Social-ecological resilience to coastal disasters. *Science*, 309(5737), 1036-1039.
- Arefi, M. (2011). Design for resilient cities: Reflections from a studio. In *Companion to urban design* (pp. 674-685). Routledge.
- Beatley, T., & Newman, P. (2013). Biophilic cities are sustainable, resilient cities. *Sustainability*, 5(8), 3328-3345.
- Brown, K. (2014). Global environmental change I: A social turn for resilience?. *Progress in human geography*, 38(1), 107-117.
- Colten, C. E., Kates, R. W., & Laska, S. B. (2008). Community resilience: Lessons from new orleans and hurricane katrina. *CARRI Report*, 3, 2-4.
- Folke, C. (2006). Resilience: The emergence of a perspective for social-ecological systems analyses. *Global environmental change*, 16(3), 253-267.
- Khoo, T. C. (2012). The CLC framework: for liveable and sustainable cities. *Urban Solutions* (1), Centre for Liveable Cities, Singapore, 58-63.
- Nicholls, R. J. (2003). The resilience of coastal megacities to weather related hazards: a review.
- Lu, P., & Stead, D. (2013). Understanding the notion of resilience in spatial planning: A case study of Rotterdam, The Netherlands. *Cities*, 35, 200-212.
- Lucini, B. (2013). Social capital and sociological resilience in megacities context, Catholic University of Sacred Heart, Milan, Italy. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*, 4(1), 58-71.
- Maguire, B., & Hagan, P. (2007). Disasters and communities: understanding social resilience. *Australian Journal of Emergency Management, The*, 22(2), 16-20.

- Oxfam. (2005). The tsunami's impact on women. *Oxfam Briefing Note*, 14.
- Phillips, M., & Smith, D. P. (2018). Comparative approaches to gentrification: Lessons from the rural. *Dialogues in human geography*, 8(1), 3-25.
- Shaw, D., Scully, J., & Hart, T. (2014). The paradox of social resilience: How cognitive strategies and coping mechanisms attenuate and accentuate resilience. *Global Environmental Change*, 25, 194-203.
- Wu, X., Zhang, J., Geng, X., Wang, T., Wang, K., & Liu, S. (2020). Increasing green infrastructure-based ecological resilience in urban systems: A perspective from locating ecological and disturbance sources in a resource-based city. *Sustainable Cities and Society*, 61, 102354.



Assessing the social resilience in deteriorated urban fabrics (Case Study: District No.7, Tehran City)

Mohammad Javad Khosravi, Ph.D. Candidate, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Alireza Estelaji, Professor, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (al_estelaji@yahoo.com)

Saeed Piri, Assistant Professor, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Hamidreza Sabbaghi, Assistant Professor, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2021/11/14

Accepted: 2022/1/11

Extended abstract

Introduction: In recent decades, the increase in the world's population, especially in urban areas, has created many complications and problems in various fields. Among them, risks are one of the most critical issues in urban planning and design to manage crisis and vulnerability, reduce risk, and increase safety and quality of life. Considering the fundamental importance of culture and its role in today's world and the existing moral and cultural approaches, cultural development in the current world seems necessary and unavoidable. Therefore, one of the essential requirements to deal with the practical issues of residential contexts in cities is to explain the concept of resilience and consequently strengthen these contexts in the face of possible accidents and hazards.

Methodology: The current research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical. The statistical population of the study was the citizens living in deteriorated fabrics of the 7th district of Tehran. The sample was estimated to be 200 participants selected were random. The data of this research has been collected through library documents and questionnaires. The questionnaire includes 45 questions and six subscales of social interactions, neighborhood identity, a sense of belonging to the place, social participation, citizenship education, and security. Finally, the overall scale of social resilience is calculated from the average scores of 6 subscales. SPSS and PLS statistical software were used to analyze the data.

Results: After examining the main hypotheses of the research, it was concluded that the state of social resilience in the worn-out context of the target area is in a disordered state, with six components of social interactions, social Participate, sense of belonging to the place, citizenship education, neighborhood identity, security was measured. In the following, the sub-hypothesis was tested, and the result showed that social interactions and social participation are essential factors in the disordered state of social resilience in the worn-out context of the 7th district of Tehran.

Conclusion: In this research, according to the investigations, it was shown that the residents of these neighborhoods, despite the emotional bond with the area and the desire for freedom in choosing the type of relationships, the desire to continue living in these neighborhoods and having emotion ties with the area, decrease and change. They follow their relationships and have freedom in choosing their relationships. This research emphasizes the necessity of paying attention to the social resilience of the deteriorated urban fabrics in residential neighborhoods of District 7 in policy-making and planning; This means that in addition to increasing the number of social interactions and social partnerships between residents. In the following steps, we should prioritize the training of citizens to prepare the residents of deteriorated fabrics neighborhoods against any crisis. In the next stages, holding maneuvers, will affect the reduction of vulnerability. Also, in medium-term planning, measures such as incentive policies for retrofitting, resource management, and making timely and appropriate decisions during and after the crisis are necessary.

Keywords: Deteriorated Area, Social Resilience, Natural Disasters, District No.7, Tehran.